

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹ • ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۱۹ آگوست ۲۰۲۰

## اخبار

روایتی از مبارزات آزادخواهانه ملت ایران

## منظومهٔ شیر نفت

شصت و هفتمین سالروز کودتای شوم و جنایت‌بار ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که با مهندستی خودکامگان داخلی و سلطه‌گران بین‌المللی صورت گرفت و جنبش آزادی‌خواهانهٔ ملت ایران را سرکوب کرد. به منظور گرمی‌داشت یاد و خاطرهٔ همهٔ کوشندگان، کشتگران و مجاهدان نهضت ملی شدن نفت، منظومه «شیر نفت» را برای نخستین بار منتشر می‌کنیم. این اثر سروده شادروان غلام‌رضا دبیران یکی از کارگزاران دولت دموکراتیک ملی دکتر مصدق است که توسط فرزند بزرگوارشان سرکار خانم دکتر حکیمه دبیران – استاد گروه ادبیات دانشگاه خوارزمی – در اختیار این جانب (علیرضا ملاتی توانی) قرار گرفته است.

این منظومه روایتی ادیبانه از منازعهٔ قدرت در ایران از استعفای مصدق در ۲۵ تیرتا یکم مرداد ۱۳۳۱ است که می‌کوشد کیفیت بازگشت قوام‌السلطنه به کارزار سیاست را در دوره ۶ روزه حکومت وی به تصویر بکشد و واکنش جامعهٔ ایران را در برابر بیابیهٔ بسیار تند «کشتی‌بان را سیاستی دگر آمد» بازتاب دهد که پیامد بزرگ آن قیام ۳۰ تیر و بازگردانی دکتر مصدق به قدرت بود.

غلامرضا دبیران (۱۳۶۶–۱۳۶۵) فرزند شایع (دبیر افخم) در متن یک خانواده تحصیل کرده و با پیشینه دیوانی زاده شد. دبیران از همان کودکی قرآن و خوشنویسی را نزد پدر بزرگ و عموی خود فراگرفت و همزمان به آموختن ادبیات فارسی و عربی پرداخت. همچنین تحصیلات جدید را در دبیرستان‌های تهران به پایان رساند. سپس برای تکمیل آموخته‌های خود در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. نسخه خطی پایان نامه ایشان با عنوان «تاریخ قرآن» به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانیفر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. وی کتاب‌های شرایع و معالم و برخی از کاب‌های نحو و ادبیات را نزد شیخ مرتضی غمّامی طالقانی فرا گرفت. از دیگر استادان او می‌توان مرحوم کاظم عشار، فاضل تونی، ولی الله نصر، ملک الشعرای بهار، و احمد بهمینیار را نام برد. دبیران با شاعران و سخنوران عصر خود از جمله دکتر قاسم رسا، گلچین معانی و محمدحسین شهبازی معاشرت و مباحثه داشت. وی پس از بازنشتستگی بیشتر در زمینه ترجمه فعالیت کرد.

دبیران افزون بر فعالیت‌های علمی و ادبی، فعالیت‌های اجرایی مهمی را بر عهده داشت. مهم‌ترین مسئولیتی او در دوره نهضت ملی شدن صنعت نفت، ریاست دفتر رمز و محرمانه محمد مصدّق بود و از نزدیک در جریان بسیاری از تحولات این دوره طولانی قرار داشت

غلامرضا دبیران، پس از کودتای ۲۸ مرداد مسئولیت‌های اجرایی گوناگونی را بر عهده داشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: شهرداری اهواز، شهرداری شیراز؛ معاونت استانداری خراسان و فرمانداری مشهد، فرمانداری کل سمنان و یزد. البته پس از تأسیس حزب رستاخیز، دبیران در اعتراض به عضویت اجباری در این حزب از سمت فرماندار کل یزد استعفا داد و از فعالیت‌های اجرایی فاصله گرفت. از همین رو، از اوایل انقلاب اسلامی به سمت استانداری یزد برگزیده شد.

غلامرضا دبیران در سراسر عمر خود آثار فراوانی نگاشت که از جمله آنها می‌توان به این آثار اشاره کرد: دوره دستور زبان فارسی، ترجمهٔمنظوم بیش از نیمی از نهج البلاغه به فارسی، ترجمه منظوم دعاها و مناجات‌ها، الفئیهٔ ابن مالک (هزاره در نحو) و قصیدهٔ لامیهٔ ابوطالب (ع) در دو بحر، بردهٔ بوسیری و مارون بیبک عبود در نعت پیامبر (ص) و سرانجام، کتاب «عبد عشق» دیوان اشعار، شامل غزل‌ها، قصاید، مثنوی‌ها و انواع دیگر شعر از قبیل مسمط، ترکیب بند، مستزاد، قطعه، رباعی و دو بیتی که دبیران از سال‌های حدود ۱۳۱۶ تا ۱۳۶۵ سروده است.

این منظومه یعنی «شیر نفت» بیان استعاری دارد و ممکن است در ظاهر همان خط لوله، فلکه و تأسیسات نفتی را به ذهن متبادر سازد اما در اصل کنایه از نام دکتر مصدق است. در سراسر این منظومه نام هیچ شخصی به میان نیامده و تنها از مقام‌هایی چون وزیر دربار و شاه یاد شده است. منظومه «شیر نفت» یک مثنوی بلند است که دبیران در ۱۴ مرداد ۱۳۳۱ با الهام از منظومه بسیار مشهور «موش و گربه» عبید زاکانی آن را سروده است. نکتهٔ تأمل برانگیز این است که این قصیده در سالروز پیروزی انقلاب مشروطه (۱۴ مرداد) و درست ۱۵ روز پس از قیام افتخارافزاین ۲۰ تیر ۱۳۳۱ دربارهٔ همین قیام و اقدامات احمد قوام (قوام‌السلطنه) سروده شده است. در این منظومه که یکی از نمونه‌های قابل در ادبیات فارسی است، ضمن اشاره‌هایی کوتاه به وضعیت کشور پس از استعفای دکتر مصدق، فرایند به قدرت رسیدن احمد قوام (قوام‌السلطنه) از دعوتش به کاخ شاه و بازپس‌گردانی لقب «حضرت اشرف» به وی و نیز مجاهدت‌های کاشانی و مصدق تا سرنگونی قوام به شکلی جذاب روایت شده است. در این منظومه موش، کنایه از مردم ایران است که در چنگال گریهٔ وحشی خودکامگی گرفتار شده است. همچنین، قوام به عنوان پلنگ و مصدق به عنوان شیر توصیف شده‌اند.

فرهنگ‌سرای بهمن برنامه‌های ویژه دهه اول ماه محرم را با عنوان «سوگواره خمسه» و با تجمیع عزاداران آذری مقیم تهران برگزار می‌کند.

**به گزارش امتیاز**، همزمان با فرا رسیدن ماه محرم، فرهنگ‌سرای بهمن «سوگواره خمسه» را از یکم تا دهم محرم از ساعت ۱۹ تا تجمیع عزاداران آذری مقیم تهران برگزار می‌کند. فرات زیارت عاشورا، اقامه نماز جماعت مغرب و عشا، تعزیه‌خوانی، روضه‌خوانی، نوحه‌سرای و سخنرانی مذهبی از بخش‌های این برنامه است که با حضور هیئت‌های مذهبی منطقه ۱۶ برگزار می‌شود و مداحان و سخنرانانی مانند داود عزیزاده اردبیلی، شهرزو حبیبی، غفور جعفری، کاظم غفاریزاد، حجت‌الاسلام غلامرضا خلیل‌نژاد و حجت‌الاسلام حبیبی در آن حضور خواهند داشت.

با توجه به فرا رسیدن ماه محرم و ایام سوگوری حسینی، تدابیر لازم برای هر چه باشکوه‌تر شدن مراسم عزاداری سالار شهیدان اندیشیده شده و فضاسازی و ارکان طرح‌های فرهنگی و تبلیغات محیطی و سیاه‌پوش کردن و نصب طاق نصرت، نورپردازی و هماهنگی سیستم صوتی، طراحی و برپایی خیمه شکلیا با نمادی از خیمه حضرت امام

مراسم عزاداری سوگواره خمسه در فرهنگ‌سرای بهمن

اجرای انتشار «اولیس» به فارسی نیز، همچون انگلیسی، قصه‌ای طولانی دارد. در دهه هفتاد منوچهر بدیعی ترجمه آن را به پایان رساند اما به گفته خودش، علی‌رغم صدور مجوز انتشار، به چاپ آن رضایت نداد. سال گذشته دو مترجم دیگر ایرانی ترجمه‌هایی از این رمان را ارائه دادند: ترجمه فرید قدمی از جلد نخست رمان در فروردین ۹۸ منتشر شد و یک ماه پس از آن ترجمه اکرم پدramنیا از جلد نخست این رمان نیز در خارج از کشور منتشر شد.

**یک نویسنده و سه مترجم**

جالب است که تحصیلات هیچ‌یک از مترجمان «اولیس» نه در حوزه زبان انگلیسی است و نه در حوزه ادبیات. منوچهر بدیعی دکترایش را در رشته‌ای غیرمرتبط رها کرده و فرید قدمی نیز دانش‌آموخته مهندسی مکانیک است و تألیف کتاب‌هایی در حوزه ریاضیات مهندسی و زبان انگلیسی را نیز برای دانشجویان دکترای مهندسی در کارنامه‌اش دارد. اکرم پدramنیا نیز در رشته‌های علوم‌پزشکی تحصیل کرده است. جالب است که جویس نیز تحصیلاتی در ادبیات نداشت!

از منوچهر بدیعی تا امروز در حدود دوازده عنوان کتاب منتشر شده است که همگی ترجمه آثار ادبی است؛ از فرید قدمی چهل‌وپنجاه عنوان که سی‌وچهارتاشان ترجمه آثار ادبی است؛ و از اکرم پدramنیا نیز دوازده عنوان کتاب که پنج‌تاشان در حوزه ترجمه ادبیات است. ترجمه منوچهر بدیعی از رمان «اولیس» همچنان نامنتشر باقی مانده و در این نوشتار سعی خواهیم کرد به مقایسه‌ی تطبیقی دو ترجمه موجود از این رمان بپردازم.

**دقت و دانش در ترجمه**

ترجمه «اولیس» شاید یکی از دشوارترین پروژه‌هایی است که هر مترجمی می‌تواند سمت آن برود. ظرایف و دقایق بسیاری در متن رمان نهفته است که ترجمه‌شان به فارسی نیازمند دانش، خلاقیت و دقتی بالا است. در ادامه سعی می‌کنم با آوردن نمونه‌هایی دقت و دانش مترجمان «اولیس» را مورد ارزیابی کوتاهی قرار دهم.

۱) در صفحه ۳۷۰ از ترجمه اکرم پدramنیا آمده است: «آقای بلوم کنار ایستاد و ماسک‌های کور آن‌ها را تماشا کرد…» عبارت «ماسک کور» توجهم را جلب کرد. این جمله آغاز عبارتی از فصل «لوتوس‌خواران» است، فصل پنجم رمان «اولیس». عبارت انگلیسی را یافتم.
۲) دوباره در همان صفحه ۳۷۰ از ترجمه اکرم پدramنیا می‌خوانیم: «دوست دارم ببینم‌شان که با لب‌های ورقلیمیده حلقه‌وار نشستند، در عالم خلسه گوش سپرده‌اند. هنوز زندگی. به نظر من آن مثل شیر لیس می‌زنند.» عبارت «هنوز زندگی» وادارم کرد که با نوشت است اکرم پدramنیا بر این عبارت را ببینم. آنچه آن‌که او در پانویشت‌های مربوط به همین عبارت آن را «زندگی ساکن» ترجمه کرده است، ترجمه‌ای که به‌نظر درست می‌آید، اما آیا او به پانویشت‌های خودش هم بی‌اعتنا بوده است؟ به‌نظر می‌رسد که اکرم پدramنیا پانویشت‌ها و متن را در دو فرآیند مجزا ترجمه کرده است که چنین تناقضی میان متن و پانویشت وجود دارد.

۳) باز در همان صفحه ۳۷۰ از ترجمه پدramنیا می‌خوانیم: «زندیک به یک میلیون بشکه که فرقی هم ندارد.» این جمله ترجمه این جمله انگلیسی است: «A million barrels all the same»
پدramنیا درست به بی‌دقتی مشهودی در ترجمه زده است که البته تاحدی نیز می‌تواند ناشی از فقدان دانش لازم از زبان انگلیسی نیز باشد. All the same در انگلیسی معادل anyway

# امتیاز

در آستانه فرا رسیدن ماه محرم

# فرهنگ‌سرای بهمن «سوگواره خمسه» را برگزار می‌کند



حسین (ع) برای برگزاری مراسم و میزبانی از هیئت‌ها و عزاداران حسینی در فرهنگ‌سرای بهمن انجام خواهد شد. از آنجا که رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای مقابله با شیوع ویروس کرونا الزامی است و با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر برگزاری مراسم

**یک رمان، دو ترجمه، سه مترجم**

# ماسک کور و دردسرهای گوگل ترنسلیت

nevertheless است، اما مترجم در این‌جا آن را به‌شکل لفظی‌اش

ترجمه کرده. باز هم ترجمه فرید قدمی در این‌جا ترجمه‌ای دقیق است: « تقریباً یک میلیون بشکه به‌هرحال.»

۴) در صفحه ۳۶۳ از ترجمه اکرم پدramنیا، مک‌کوی از بلوم می‌رسد: «عیالت چطور؟» شاید باورکردن‌اش سخت باشد اما اصل عبارت انگلیسی این است: « how’s the body?» درباره‌ی این عبارت در متن رمان و تأکیدش بر «بدن» چندین مقاله به انگلیسی نوشته شده و آن را به جمله‌ای مشهور بدل کرده است، اما شاید برای نخستین‌بار در تاریخ ترجمه است که کسی body را «عیال» ترجمه می‌کند! مطمئناً قدمی هم کار خاصی نکرده که این جمله ساده را به‌درستی ترجمه کرده است: «تن و بدن چطور است؟» Blind Mask در انگلیسی به‌معنای «چشم‌پند» است، اما پدram نیا در ترجمه خود در اولیس آن را به ماسک کور ترجمه کرده

۵) در صفحه ۳۶۲ از ترجمه پدramنیا می‌خوانیم: «گلبرگ‌هایشان خسته‌تر از آن‌اند که. مرض خواب‌زدگی در هوا، روی برگ‌های رز راه می‌روی.» با خواندن ترجمه فرید قدمی می‌توان دریافت که ماجرا چیز دیگری است: «گلبرگ‌ها بیش از آن خسته که. داء النوم در هوا، روی برگ‌های رُز قدم بگذار.» اینچنان که قدمی به‌درستی در پانویشت‌هایش توضیح داده است Sleeping sickness بیماری خواب یا آن‌گونه که در طب ایرانی به آن می‌گویند «داه النوم» است (و نه «مرض خواب‌زدگی»؛ بیماری‌ای انگلی که مگس تسه‌تسه ناقل آن است و گویا تنها در بخش‌هایی از آفریقا وجود دارد.

۶) در صفحه ۴۵۸ از ترجمه پدramنیا آمده است: «مارتین کانینگم از کنار‌راهی نمایان شد، اندوه‌زده حرف می‌زد.» که ترجمه این جمله از فصل «هادس» است:

Martin Cunningham emerged from a sidepath, talking gravely
gravely به‌معنای «شدیداً»، «عمیقاً» و «به‌سختی» است و در اساس ربطی به «اندوه» ندارد. احتمالاً پدramنیا به‌خاطر ریشه grave به‌معنای «گور» و فضای گورستان دچار اشتباه شده است. باز هم نمی‌توان گفت که ترجمه درست قدمی از این عبارت کار دشواری بوده است: «مارتین کانینگهام از مسیری کناره ظاهر شد، گرم حرف‌زدن.»

۷) در صفحه ۴۵۰ از ترجمه پدramنیا متصدی گورستان می‌گوید: «سایمن عزیزم، من تو مشتری را نمی‌خواهم اصلاً» استفاده از کلمه‌ی «مشتری» در گورستان کمی عجیب می‌نمود و برای همین به متن اصلی رجوع کردم. جمله جویس این است. در ترجمه قدمی به‌درستی می‌خوانیم: «سایمن عزیزم. من اصلاً این عادت تو را نمی‌خواهم.»

۸) در همان صفحه، درست در سطر بعد، از ترجمه پدramنیا می‌خوانیم: «با آن دو کلید بلند پیچ‌خورده در پشتش رفت کنار مارتین.» «کلید پیچ‌خورده» کمی نامعقول به‌نظر می‌رسد، چراکه اگر کلید پیچ بخورد قطعاً دیگر کار نمی‌کند!

ترجمه فرید قدمی بدین گونه است: «رفت کنار مارتین کانینگهام، با دو کلید معمولی بزرگ در پشت‌اش.»

۹) در صفحه ۴۴۳ از ترجمه پدramنیا می‌خوانیم: «کیک برای

همچنین مراسم تعزیه‌خوانی با رویکرد گسترش و ترویج فرهنگ عاشورایی و احیای فرهنگ حسینی و تبیین نهضت تاریخ‌ساز امام حسین (ع)، با اجرای تعزیه توسط کانون کهرابی تعزیه با حضور و اجرای تعزیه‌خوانان بنام کشور همچون میرزا ابوالفضل منبِت‌کار، سید محسن هاشمی، داود آبابی، مهدی صیادی و…و بعد از اقامه نماز جماعت مغرب و عشا برگزار می‌شود. این اجراها به صورت زنده در صفحه اینستاگرام مرکز اسلامی بیرمنگام انگلستان نیز پخش خواهد شد.

نمایشگاه نگاه گذر عاشورا و یادمان عکس شهدا با نمایش آثار تصویری هنرمندان، تابلوهای استادان نقاشی و کتیبه‌های عاشورایی با هدف به تصویر کشیدن اهداف عاشورا از دیگر برنامه‌های این دهه است که در محوطه فرهنگ‌سرای بهمن میزبان شهروندان است. همچنین از ۱۰ خانواده معظم شهدای هشت سال دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و مدافع سلامت منطقه ۱۶ نیز در مراسم‌ها تجلیل می‌شود.

علاقه‌مندان برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره سوگواره خمسه می‌توانند با تلفن ۵۵۳۱۲۳۰۴ تماس بگیرند.

همچنین مراسم تعزیه‌خوانی با رویکرد گسترش و ترویج فرهنگ عاشورایی و احیای فرهنگ حسینی و تبیین نهضت تاریخ‌ساز امام حسین (ع)، با اجرای تعزیه توسط کانون کهرابی تعزیه با حضور و اجرای تعزیه‌خوانان بنام کشور همچون میرزا ابوالفضل منبِت‌کار، سید محسن هاشمی، داود آبابی، مهدی صیادی و…و بعد از اقامه نماز جماعت مغرب و عشا برگزار می‌شود. این اجراها به صورت زنده در صفحه اینستاگرام مرکز اسلامی بیرمنگام انگلستان نیز پخش خواهد شد.

عزاداری طبق ضوابط ستاد ملی مبارزه با کرونا، مکان‌هایی برای استقرار تونل ضدعفونی، تس‌سنجی عزاداران، توزیع ماسک بین افرادی که فاقد ماسک هستند، ضدعفونی کردن سطوح و… در ورودی فرهنگ‌سرای بهمن تعبیه خواهد شد.

۴) در صفحه ۳۶۳ از ترجمه اکرم پدramنیا، مک‌کوی از بلوم می‌رسد: «عیالت چطور؟» شاید باورکردن‌اش سخت باشد اما اصل عبارت انگلیسی این است: « how’s the body?» درباره‌ی این عبارت در متن رمان و تأکیدش بر «بدن» چندین مقاله به انگلیسی نوشته شده و آن را به جمله‌ای مشهور بدل کرده است، اما شاید برای نخستین‌بار در تاریخ ترجمه است که کسی body را «عیال» ترجمه می‌کند! مطمئناً قدمی هم کار خاصی نکرده که این جمله ساده را به‌درستی ترجمه کرده است: «تن و بدن چطور است؟»

Blind Mask در انگلیسی به‌معنای «چشم‌پند» است، اما پدram نیا در ترجمه خود در اولیس آن را به ماسک کور ترجمه کرده

۵) در صفحه ۳۶۲ از ترجمه پدramنیا می‌خوانیم: «گلبرگ‌هایشان

خسته‌تر از آن‌اند که. مرض خواب‌زدگی در هوا، روی برگ‌های رز راه می‌روی.» با خواندن ترجمه فرید قدمی می‌توان دریافت که ماجرا چیز دیگری است: «گلبرگ‌ها بیش از آن خسته که. داء النوم در هوا، روی برگ‌های رُز قدم بگذار.» اینچنان که قدمی به‌درستی در پانویشت‌هایش توضیح داده است Sleeping sickness بیماری خواب یا آن‌گونه که در طب ایرانی به آن می‌گویند «داه النوم» است (و نه «مرض خواب‌زدگی»؛ بیماری‌ای انگلی که مگس تسه‌تسه ناقل آن است و گویا تنها در بخش‌هایی از آفریقا وجود دارد.

۶) در صفحه ۴۵۸ از ترجمه پدramنیا آمده است: «مارتین

کانینگم از کنار‌راهی نمایان شد، اندوه‌زده حرف می‌زد.» که ترجمه این جمله از فصل «هادس» است:

Martin Cunningham emerged from a sidepath, talking gravely
gravely به‌معنای «شدیداً»، «عمیقاً» و «به‌سختی» است و در اساس ربطی به «اندوه» ندارد. احتمالاً پدramنیا به‌خاطر ریشه grave به‌معنای «گور» و فضای گورستان دچار اشتباه شده است. باز هم نمی‌توان گفت که ترجمه درست قدمی از این عبارت کار دشواری بوده است: «مارتین کانینگهام از مسیری کناره ظاهر شد، گرم حرف‌زدن.»

۷) در صفحه ۴۵۰ از ترجمه پدramنیا متصدی گورستان می‌گوید: «سایمن عزیزم، من تو مشتری را نمی‌خواهم اصلاً» استفاده از کلمه‌ی «مشتری» در گورستان کمی عجیب می‌نمود و برای همین به متن اصلی رجوع کردم. جمله جویس این است. در ترجمه قدمی به‌درستی می‌خوانیم: «سایمن عزیزم. من اصلاً این عادت تو را نمی‌خواهم.»

۸) در همان صفحه، درست در سطر بعد، از ترجمه پدramنیا می‌خوانیم: «با آن دو کلید بلند پیچ‌خورده در پشتش رفت کنار مارتین.» «کلید پیچ‌خورده» کمی نامعقول به‌نظر می‌رسد، چراکه اگر کلید پیچ بخورد قطعاً دیگر کار نمی‌کند!

ترجمه فرید قدمی بدین گونه است: «رفت کنار مارتین کانینگهام، با دو کلید معمولی بزرگ در پشت‌اش.»

۹) در صفحه ۴۴۳ از ترجمه پدramنیا می‌خوانیم: «کیک برای

## اخبار

شماره ۳۰۲۷

## اخبار

**جاذبه‌های چهارمحال و بختیاری در کفن عدم تبلیغات!**

اداره کل میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری تور آشناسازی را با حضور فعالان گردشگری برگزار کرد. در این تور که به منظور معرفی جاذبه‌های گردشگری و تاریخی و طبیعی استان به فعالان این حوزه مانند خبرنگاران، عکاسان، مستندسازان و راهنمایان گردشگری و اینفلوئنسرها در مدت چهار روز برگزار شد، دیدن جاذبه‌های تاریخی شهرکرد مانند قلعه چالشر، موزه باستان شناسی و یا بازارچه صنایع دستی در دستور کار بازدید این گروه قرار گرفت. پس از آن گروه فعالان صنعت گردشگری، به منطقه تفریحی و گردشگری و البته تاریخی پیرغار رفت. تفرجگاهی در روستای ده چشمه شهرستان فارسان. در این روستا همچنان سنگ قبرهای قدیمی در گورستان دیده می‌شود و هنوز هم در میان درختان و رودی که از این روستا می‌گذرد آلاچیق‌هایی برای مهمانان برپاست. اما آنچه که روستای ده چشمه را معروف کرده کتیبه و تفرجگاه پیرغار است. کتیبه‌ای که تاریخ مشروطه را در خود

دارد محصور میان زنده‌های آهنین است اما درختچه‌هایی کوچک دور تا دور آن را گرفته تا شکافی روی سنگ‌ها ایجاد کند. بر روی این سه کتیبه در پیرغار از زبان دو شخصیت و رهبر تأثیر گذار در دوران مشروطیت نوشته شده است که نام‌های آنان سردار اسعد و سردار ظفر بوده است. بر روی کتیبه اول اشاره‌ای به وضعیت ایران در زمان مظفرالدین شاه و درخواست‌های مردم نیز شده است و همچنین در ادامه آن شرح وقایعی از وضعیت مردم در اصفهان و تهران و درخواست‌های آنان نیز در این کتیبه بیان شده است. از جنگ‌های که بین قبایل در این شهر رخ داده هم شرح حال کوتاهی بیان شده است. این نوشته‌ها از زبان سردار ظفر بوده است.

در کتیبه‌ای که از زبان سردار اسعد نوشته از شده پس از ذکر دو بیت شعر گزیده‌ای از اتفاقاتی که در این شهر بر سر انتقال قدرت از ایلخانی به حاجی ایلخانی نیز بیان شده و به قلمروی حکومت بختیار هم اشاره‌های کوتاهی شده است. با توجه به اینکه سالهای زیادی از نوشته شدن این کتیبه می‌گذرد مرمت‌های زیادی بر روی این کتیبه‌ها انجام شده است. عملیات مرمت کتیبه‌های مشروطیت شامل دفع و حذف عوامل آسب‌باز، دفع رطوبت، لایه برداری، حذف گل‌سنگ و آسب‌بهای بیولوژیکی و منظری و خوانا سازی کتیبه‌های تاریخی در مجموعه گردشگری پیرغار در حال انجام است.

در کنار این کتیبه‌ها و تفرجگاه غاری نیز وجود دارد که ورودی آن یک فضای چند متری است و مردم به باور خود زمانی که سنگی را روی دیوار و سقف غار می‌سایند، اگر آرزویی کنند و آن سنگ کوچک که دیوار بپسند آرزویشان برآورده خواهد شد. برخی هم می‌گویند جاذبه دیواره‌ها و پارافین شمع‌هایی که به دیواره زده شده باعث جذب این سنگ ریزه ها می‌شود.

در ادامه پس از توقفی در این تفرجگاه، فعالان حوزه گردشگری برای آشنایی با ظرفیت‌های طبیعتگردی استان به شهرستان کوهرنگ رفتند شهرستانی که به طبیعت بکرش در تمام فصول سال مشهور است و چشمه‌های آب معروفي دارد.

**دیدار با پناهنده کوهرنگ**

دیدار با یکی از کارشناسان هتلداری یکی از برنامه‌ها بود. هنگامی که گروه برای صرف غذا به هتل فریدون رئیس هدکردی رفتند با هتلی مواجه شدند که سرتاسر آن را حتی داخل آسانسور و روی میز پذیرش با فرش‌های دست باف بختیاری و چالشری پوشانده شده بود.رئیس هدکردی می‌گفت که با وجود داشتن اقامت دائم آمریکا و زندگی در آلمان و اتریش اما به کوهرنگ پناهنده شده چون زادگاهش اینجاست. او همچنین به دلیل ارتباطاتی که با گردشگران خارجی دارد توانسته در طول سال و قبل از کرونا میزبان گردشگرانی از کشورهای اروپایی در هتلش باشد. او همچنین معتقد است که باید از ظرفیت‌های گردشگری و طبیعی و عشایر استان چهارمحال و بختیاری استفاده و آن را معرفی کرد چون اگرچه اروپایی‌ها کوه‌های آلپ و مناظر زیبایی را دارند اما عشایری که در این طبیعت زندگی کنند را هیچ وقت نداشته اند. ضمن اینکه هنوز طبیعت کوهرنگ برایشان جذاب است درحالی که طبیعت آلپ به واسطه تله کابین و هتل‌هایی که ساخته شده از بین رفته است.

**یادبودی برای بزرگ ایل**

در میانه مسیر، راهنمای گردشگری استان یادبودهایی را به مسافران نشان داد که برای درگذشت بزرگ ایل در زمین‌ها ساخته بودند. به ساد چپن مستطیلی شکلی که روی آن نام و یاد یک بزرگ مرد بختیاری نوشته شده «مافه گه» گفته می‌شد. رشید کبیری هدکردی راهنمای گردشگری استان چهارمحال و مقدس برای بختیاری هاست نمادی از شخص درگذشته است که به دور از سرزمین خود مرده است. ایل و تبار آن شخص یادبودی برای وی در زمین‌هایش بنا می‌کنند. لزوماً در این ما فه که قبری وجود ندارد. روز سوم و یا هفتم درگذشت آن مرد، زنان بالای ۶۰ سال ایل، سب آن مرحوم را کتل بندی می‌کنند و با پارچه‌های سیاه و تزئینات به خصوص آن را مزین کرده و به صورت چپ گرد دور اسب می‌چرخند و اشعار سوزناک را می‌خوانند. در قدیم این یادبودها به صورت خشکه چین ساخته می‌شدند و معمولاً از آنجا که عشایر بیلاقی و قشلاقی می‌کنند، قبر ییان آن فرد ساخته می‌شود. هنوز هم این رسم در میان عشایر اینچا مرسوم است. در این مسیر غیر از رشید کبیری هدکردی است که از راهنمایان استان چهارمحال و بختیاری و بهروز امامی نایب رئیس انجمن دفاتر مسافرتی استان نیز تور آشناسازی فعالان گردشگری را همراهی می‌کردند.